

کلاس شلوغ، درد مشترک معلم و دانش آموز



● هر دانش آموز، یک دقیقه

ابتدا یک پیام بود، از سوی پدری که پسر دبستانی اش در مدرسه ای واقع در پهنجن ۷۰ درس می خواند، خودش را نوروزی معرفی می کند و گله مندانه از کلاس هایی می گوید که جمعیت دانش آموزان آن از چهل نفر عبور کرده است. شیطنت پسر بچه هایی در این سن و سال، ضرب در عدد چهل و خورده ای تقسیم بر فضای محدود کلاس، مساوی است با یک دنیا همه چه و تمرکز حاد قلی معلم و بچه ها برای یاد دادن و یاد گرفتن. آن طوره که می گوید ما جرابه این مدرسه خلاصه نمی شود و دبستان دخترانه فرزند دیگریش، درست در همان محدوده، وضعیتی کاملاً مشابه دارد.

پیام بعدی را از مدرسه ای دیگر دریافت می کنیم که با محدوده نخست، شانزده کیلومتر فاصله دارد،

اما آسمان مشکلات آن به همان رنگی است که توصیف شد. مادر این دانش آموز پسر که مایل به درج نامش در این گزارش نیست، درباره وضعیت مدرسه ابتدایی «شهریاری» واقع در شهرک مهرگان می گوید: پسر من کلاس اولی است. جمعیت کلاس شان ۴۳ نفر است. چند روز پیش برای جلسه به مدرسه رفته بودیم. معلم پسر م رک و راست گفت که من هر روز به اندازه پنج تا ننگ چهل و پنج دقیقه ای فرصت دارم. با جمعیت کلاس، به هر دانش آموز به صورت میانگین در هر ننگ یک دقیقه و هر روز پنج دقیقه وقت می رسد، در هفته حداکثر می شود ۲۵ تا ۳۰ دقیقه. پس خودتان با بچه هایتان خیلی کار کنید.

● تراکم بالای کلاس و ناتوانی در مدیریت کلاس

پیام های والدین گله مند، بیش از مواردی است که اشاره شد. هریک برای بیان ناراحتی از وضعیتی که به ناچار در آن قرار گرفته است، به یک گوشه از چهل تکه مشکلات کلاس های پر جمعیت اشاره می کند، مثلاً یکی از آن ها از مدرسه پسرانه چهارده معصوم، واقع در خیابان شهید قربانی می گوید که تاپشت در کلاس ها، صندلی چیده شده است و موقع باز کردن در، باید حداقل یک صندلی برداشته شود تا بتوان رفت و آمد

گزارش روز

بچه اند دیگر. شیطنت و باز یگوشی خمیرمایه وجودشان است، اصلاً اگر قرار باشد همه اش آرام و دست به سینه بنشینند روی نیمکت، باید به سلامت و خوب بودن حالشان شک کرد. تصور کنید تعدادشان بشود دو یا چند برابر ظرفیت کلاس؛ آن وقت است که معلم، هر قدر هم کار بلد باشد، می شود چیزی در حد مبصر و عمده توانش را باید برای ساکت کردن دانش آموزانش و نشان دادن آن ها سر جایشان خرج کند. در این شرایط، آموزش دادن و پروراندن این همه استعداد انباشته شده در کلاس، از اولویت نخست به جایگاه چندم سقوط خواهد کرد؟ سرانه ها، کار شناسان و والدینی که فرزندانشان گرفتار شرایط یاد شده هستند، به کمکمان آمده اند تا به این سؤال پاسخ بدهیم.

محمد رضا فیضی

کرد. آن طوره که این مادر می گوید جمعیت کلاس ها به حدی بالاست و دانش آموزان آن قدر جفت در جفت می نشینند و گرمشان می شود که دیگر در فصل سرما به بخاری نیازی احساس نمی شود. تعدادی از مساجد محدوده طبرسی، مثل مسجد امام حسن عسکری^ع، برای کمک به این شرایط پای کار آمده اند، اما مشکل اینجاست که دانش آموز، دست کم برای امتحان دادن باید در یکی از مدارس ثبت نام کرده باشد، مدارس و کلاس هایی که از مرحله اشاع عبور کرده اند و از ثبت نام جدید امتناع می کنند.

خانم سعیدیان، مادر دیگری که دخترش در پایه چهارم ابتدایی مدرسه شهید احمدی روشن در مهرگان درس می خواند، جمعیت کلاس فرزندش را ۴۵ نفر بیان می کند. پیام دیگر از مدرسه امام حسن مجتبی^ع در شهید قربانی ۳ است که اذعان می کند به دو شیفته بودن کار برای معلم فرزندش؛ موضوعی که باز هم باعث نشده است از جمعیت کلاس ها کم شود و تعداد همچنان در حد چهل نفر است.

ناتوانی معلم برای بررسی تکالیف دانش آموزان، تدریس ناقص، نیمه کاره ماندن کارهای کلاسی و بیمار شدن دانش آموزان به دلیل نزدیک نشستن بیش از اندازه آن ها در کنار هم، از مشکلاتی است که یکی دیگر از والدین

با ما در میان می گذارد و ادامه می دهد: معلم دخترم به خاطر شلوغی کلاس و اینکه ریاضی درس دادن به این همه دانش آموز در یک زنگ ممکن نیست، زنگ قرآن و هنر و ورزش را هم زنگ ریاضی کرده است. مدرسه رفتن برای دخترم خسته کننده شده است.

● شما فقط مبصر باشید

نقد های والدین به وضعیت کلاس های پر جمعیت مهم است، اما همه ماجرا نیست. روی دیگر این سکه، فشار کاری ای

است که به معلم وارد می شود و محمد، با استفاده از فرصت زنگ تفریح گوشه ای از آن را با ما در میان می گذارد. «مدارسی که من در آن ها درس می دهم، دو شیفته هستند و در ناحیه ۲ آموزش و پرورش مشهد واقع شده اند، دقیق ترش را بخواهید، می شود در محدوده طرق. هر دو مدرسه، کلاس های شلوغی هستند، مثلاً کلاس های اول یکی از این مدارس، بین ۳۹ تا ۴۳ نفر دانش آموز دارد. کلاس های دوم و سوم نیز همین طورند و همگی بالای چهل نفر دانش آموز دارند. وضعیت کلاس های چهارم که واقعاً خراب است و هریک ۴۵ نفر دانش آموز دارند. کاری نمی شود کرد. فضانداری، فضا هم داشته باشیم، معلم نداریم. او که تجربه تدریسش در مدارس ابتدایی به مرز پنجمین



عکس از شهینا بشار

و امکان پوشش دادن بیشتر مطالب درسی را با عمق فزون تر ندارد و این امر ممکن است به یادگیری کمتر دانش آموزان منجر شود. فراوانی رفتارهای ناسازگار با پیشرفت تحصیلی بیشتر خواهد بود و این ویژگی، به همراه سروصدای بیشتر در محیط، ممکن است بر همه دانش آموزان تأثیر منفی بگذارد.

دوم مدت زمانی است که معلم، صرف توجه به هردانش آموز و نیازهای او می کند. هرچه کلاس کوچک تر باشد، دست کم از بُعد نظری امکان توجه بیشتر به هردانش آموز افزایش می یابد که این توجه هم در کلاس، هم در بررسی تکالیف و امتحانات تجلی پیدا می کند.

سوم، اندازه کلاس بر تخصیص زمان معلم و در نتیجه کارآمدی تأثیر گذار است، مثلاً از اینکه چه میزان از مطالب درسی پوشش داده می شود وقتی کلاس با تراکم کمتری همراه باشد، معلم می تواند دانش آموزان را به بحث بیشتر ترغیب و مطالب بیشتری را تدریس کند یا مطالب تعیین شده را در تکرارهای بیشتر و با ارائه مثال ها یا تمرینات بیشتر توضیح دهد.

بی تردید با معرفی مطالب جدید درسی همه دانش آموزان موضوعات را یاد نمی گیرند و به توضیح بیشتر و رفع ابهام از سوی معلم نیاز دارند. در این صورت هرچه تراکم دانش آموزان بیشتر باشد، معلم فرصت

معلمان در کلاس های کوچک تر می توانند از طریق تسهیل استفاده از ترکیبات آموزشی در گروه های کوچک، فعالیت های عملی، آموزش نغز به نغز، و تنوع بخشی در تعلیم، بر اثربخشی رویه های آموزشی خود بیفزایند

و امکان معلمان در کلاس های کوچک ترمی توانند از طریق تسهیل استفاده از ترکیبات آموزشی در گروه های کوچک، فعالیت های عملی، آموزش نغز به نغز و تنوع بخشی در تعلیم بر اثربخشی رویه های آموزشی خود بیفزایند. البته دلایل ارائه شده توجیه کننده اثر منفی تراکم دانش آموزان در کلاس یا مدرسه بر وضعیت آموزشی آن هاست. با استناد به چنین استدلال هایی است که بسیاری بر این عقیده اند که کاهش اندازه کلاس را باید به مثابه یک سیاست آموزشی سرلوحه آموزش و پرورش قرار داد. اما همه مطلب این نیست و می توان دلایلی هم در حمایت از تراکم بیشتر یا وجود نداشتن رابطه معنادار ارائه کرد.

او در تشریح نتایج پژوهش می گوید: حتی اگر بپذیریم دانش آموزان در کلاس های پر جمعیت عملکرد بدتری دارند. می توان در عین حال ادعا کرد که تفاوت تراکم در هر بازه ای اثر معنادار ندارد، یعنی ممکن است اثر منفی بر وضعیت تحصیلی در صورتی برقرار باشد که شمار دانش آموزان به طرز درخور توجهی زیاد باشد، نه آنکه لزوماً دو کلاس با اندک تفاوتی در تراکم و اندازه از سطح متوسط متفاوتی در پیشرفت تحصیلی برخوردار باشند. به بیان دیگر احتمال دارد یک سطح آستانه برای تراکم در کلاس وجود داشته باشد که فقط مقایسه کلاس ها در دو سمت این آستانه مبین وجود اثر معنادار باشد و در غیر آن، رابطه معناداری مشاهده نشود. این نگرش مخالف، در میان برخی تصمیم گیران نیز مشاهده می شود.

شماره

شماره ۲۲
۲۲ آذر ۱۳۹۲
شماره ۲۱۰۸

۱۳



بازار

عکس: جواد کوشا، اشورا

چشماتن روشن

یک کیسه زباله جمع کنید
یک بلال رایگان بگیرید



بعضی از هم وطنان مسئولیت پذیر و دغدغه مند ما پایشان که به طبیعت می رسد، دیدن زباله های رها شده را تاب نمی آورند و کیسه به دست مشغول جمع آوری شان می شوند. بعضی دیگر همان طور که به کسب و کارشان می رسند، شرایط پاکیزه شدن محیط زیست را هم فراهم می کنند، به این صورت که امکاناتی به طبیعت گردان می دهند تا آن ها به پاک سازی محیط زیست بپردازند و درباره جمع آوری زباله های خود و به زمین ریختن آن ها دقت بیشتری به خرج دهند؛ مثل این آقای بلال فروش که در ازای جمع آوری یک کیسه زباله، به مردم بلال رایگان تقدیم می کند.

دم شما گرم آقای منصور بلالی و دم شما گرم شهروند خوش ذوقی که این زیبایی را به تصویر کشیدید و حس خوبش را به دیگران منتقل کردید!

یادداشت

آرامش در کنار ولی خدا



فیلم و سریال هم مثل کتاب است. با هربار دیدن، می توان به فهم تازه ای رسید و دریافتی تعالی دهنده داشت. من در تماشای مکرر مجموعه «یوسف پیامبر» این بار به عایدی متفاوتی رسیدم، به اینکه آرامش رضایت مندی نتیجه اعتماد است. اوج آن را در اعتماد به «ولی خدا» می توان به دست آورد. این را بیش از هر کس می شود در وجود «آخاندان»، حاکم مصر، دید. آرامشی که در چهره اش موج می زند، رضایتمندی که از دیده و لبانش می تراود. او ایمان آورده است به اینکه «یوزاریسف حکیم» نبی خداست. پس بایقین کارها را به او واگذار کرده است؛ می داند «یا کریمان کارها دشوار نیست»، ولی حق هم در شمار اکبر کریمان است. آنان که خود را با ولی خدا تعریف می کنند، به معرفتی می رسند که آنان را از دروازه اعتماد به ساحل آرامش می رساند. بی تابی، عصبانیت، ناخوشتن داری و... ثمره دوری از این فهم است که «عالم محضر خداست» و همه ما در حضرت و پیشگاه حکیم و خبیر و علیم و قادری هستیم که به همه چیز اشراف دارد. تشریف به این فهم شریف، آرامش بخش و استغنا آفرین است، لذاست که می بینیم نیشندگان عرفان و خط خوانان معنوی قرآن، در پی تاب ترین شرایط هم آرام اند، هیچ گردبادی نمی تواند زلف باورشان را به هم بریزد. کسانی که از این خرم دست خالی بیرون بروند، تسیمی نوزیده، فرو می افتند. پیش هنگام هراتفاقی اینان به هم ریخته اند، آوار پیش از زلزله را مثال می شوند. هر چند در مثل مناقشه نیست، اما «مثال» شدن برای آوار پیش از زلزله، معنایی جز دوری از «مبدأ» و ناباوری به «معاد» نمی تواند باشد. آنان که ایمان خود را کامل می کنند، در حقیقت سهم خود را به طور کامل از زندگی می گیرند. آرامش ایمانی شان، بستر رشد و تعالی تمام ساختنی شان می شود. هم جغرافیای اثر گذاری شان توسعه پیدا می کند و هم تاریخ و سال شمار عمرشان برکت و فروزی می یابد. فکری کم اگر تماشای سریال هیچ چیز دیگر نداشته باشد، همین یک دریافت می ارزد تا وقتی که برای تماشای مکرر آن گذشتیم حلال شود، هر چند که سوغات های دیگر هم دارد. از جمله اینکه تا از دیگران نبیری، به دوست نمی پیوندی. عمان سامانی زیبا می گوید:



روزانه فکر غمناک من است

رو که در یک دل نمی گنجد دو دوست
این را هم در زیلخا می توان دید، هم در یعقوب نبی. تالیزخاد را از خدایان گوناگون آب و جارو نکرد، صدایش به گوش یوسف نرسید. یعقوب هم تادل نبرد از یوسف، به او دست نیافت. این هم یعنی همان که قائل می گوید: رسم عاشق نیست با یک دل، دو دلبر داشتن
یا ز جانان یا ز جان بایست دل برداشتن
آنان که دل از غیر برمی دارند و به خدا دخل می بندند از بخل زمین و زمان درماند. آرامش، رهین زیستنی بر مدار خدا و ولی خداست.